



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

استکبار ستیزی

در

قرآن

نویسنده:

قدرت الله فرقانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استکبار ستیزی در قرآن

نویسنده:

قدرت الله فرقانی

ناشر چاپی:

واحد تحقیقات پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
استکبار ستیزی در قرآن	۶
مشخصات کتاب	۶
مقدمه	۶
مفاهیم	۷
گونه‌شناسی استکبار	۸
ویژگیهای فرهنگ استکباری	۱۴
اشاره	۱۴
۱- خودبرتربینی	۱۴
۲- فخر و مباهات بر امتیازات مادی	۱۵
۳- تقلید از نیاکان	۱۶
۴- انکار رسالت انبیاء	۱۷
۵- تحقیر توده‌های مستضعف	۱۸
۶- نافرمانی (فسق)	۱۹
زمینه‌های پدیدآمدن استکبار	۲۰
شیوه‌های استکباری	۲۳
اصول بنیادین مبارزه با استکبار	۲۸
شیوه‌های مبارزه با استکبار	۳۲
مبارزه پیامبران با مستکبران	۳۸
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۴۴

استکبار ستیزی در قرآن

مشخصات کتاب

نام کتاب: استکبار ستیزی در قرآن

نویسنده: فرقانی، قدرت الله

موضوع: موضوعی

قرن: ۱۵

زبان: فارسی

مذهب: شیعی

ناشر: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مکان چاپ: قم

سال چاپ: ۱۳۸۳ ش

نوبت چاپ: اول

مقدمه

خداوند جهان را آفرید و همه موجودات را در مسیر هدایت قرار داد. برای انسانها نیز افزون بر نعمت عقل و فطرت، رسولان بیرونی گمارد تا آنان را به راه راست هدایت کنند. انسانها در برابر رسولان الهی، مواضع متفاوتی اتخاذ کردند؛ برخی در برابر دعوت پیامبران، سر تسلیم فرود آورده، به اطاعت پرداختند و برخی نیز سر ستیزه برداشته، به مخالفت برخاستند. اینان علاوه بر نفی دلایل و معجزات پیامبران به انواع آزار و اذیت رسولان الهی پرداختند و مشکلات عدیده‌ای در راه ابلاغ رسالتشان ایجاد کردند. فرهنگ قرآنی از گروه اخیر با عنوان «مستکبران» یاد می‌کند.

خداوند متعال در حمایت از رسولان خویش، ابتدا مستکبران را نصیحت نمود که از اعمال زشت خود دست بردارند. اما مستکبران، پس از نصایح مکرر و ارائه معجزات، باز بر مواضع

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰

خود پافشاری کردند و مؤمنان را شکنجه و گاه به قتل رساندند.

این گروه سرانجام به عذاب الهی در دنیا و آخرت گرفتار آمدند و به نتیجه اعمال خود رسیدند.

کتاب حاضر به دلیل اهمیت مبارزه پیامبران الهی با مستکبران، به بحث درباره این موضوع پرداخته و مباحثی چون انواع استکبار، شیوه‌های مستکبران و روشهای مبارزه پیامبران با آنان را به قدر مجال خود مطرح کرده است. امید است مطالعه این کتاب در شناخت بیشتر راه و روش پیامبران در مبارزه با استکبار مفید واقع شود.

شایان ذکر است که در تنظیم مباحث این کتاب، از کتاب «استضعاف و استکبار در قرآن» اثر همین پژوهشکده که حجج اسلام محمد سروش و احمد حیدری تدوین کرده‌اند استفاده فراوانی شده است. همچنین بیشتر پیامهای ذیل آیات نیز از تفسیر راهنما و تفسیر المیزان گرفته شده است.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۱

مفاهیم

در بررسی اصطلاح «استکبار» و «مستکبرین» در فرهنگ اسلامی ناگزیریم نخست مفهوم این واژه و واژه‌های دیگری همچون «ملاً» و «مترفین» را که در ارتباط با آن است، بیان کنیم.

۱- استکبار

«استکبار» از ماده «کبر» است. لغت‌شناسان «کبر» را بزرگ شده و «کبر» را عظمت و کبریا «۱» معنا کرده و نیز آن را مقابل صِغَر و کوچکی دانسته و «کبر» را به عظمت تفسیر کرده‌اند. «۲»

«استکبار» مصدر باب استفعال است و آن را هم معنی کبر و تکبر و به معنای تعظم و بزرگی «۳» دانسته‌اند. و گاه آن را با مفهوم «تعظم و تجبر» نظیر دانسته، مخالف و مقابل با «تواضع» معنی کرده‌اند:

(۱). الصحاح، ج ۲، ص ۸۰۱.

(۲). معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۵۳.

(۳). الصحاح، ج ۲، ص ۸۰۲؛ مفردات راغب اصفهانی، ص ۴۲۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۲

و آن، نفس را بالاتر از حد خود بردن و به عبارت دیگر خود بزرگ‌بینی است. «۱»

مجمع البیان، در تعریفی، بین مفهوم استکبار و تکبر فرق می‌گذارد:

استکبار به معنای «ناروا طلب بزرگی کردن» است بر خلاف «تکبر» که ممکن است بزرگی همراه با استحقاق و سزاواری باشد چه این که در مورد حق تعالی «تکبر» صحیح است و یا سزاوار آن نباشد. «۲»

علامه طباطبایی نیز تصریح می‌کند که استکبار همیشه نارواست و قید «به غیر حق» در آیه «فاستکبروا فی الارض بغیر حق» توضیحی است، نه آنکه استکبار به حق نیز وجود داشته باشد. «۳»

ایشان در تعریف استکبار، فرق بین متکبر و مستکبر را نیز بیان می‌دارند:

مستکبر کسی است که می‌خواهد به بزرگی دست یابد و درصدد است که بزرگی خود را به فعلیت برساند و به رخ دیگران بکشد و متکبر کسی است که بزرگی را به عنوان یک حالت نفسانی در خود سراغ دارد و برای خود پذیرفته است. «۴»

(۱). مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۳، ص ۳۰۹.

(۲). همان، ج ۲، ص ۱۴۶.

(۳). المیزان، ج ۱۷، ص ۳۷۶.

(۴). المیزان، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۳

بنابراین استکبار به معنای خودبزرگ‌بینی است که شخص می‌خواهد بزرگی نداشته خود را به رخ دیگران بکشد و خود را بزرگتر از دیگران جلوه دهد.

۲- ملاً

از مجموع کلمات اهل لغت «۱» استفاده می‌شود که شایع‌ترین معنای ملاً اشراف است؛ جماعتی که از قدرت و موقعیت در جامعه برخوردارند به‌طوری که هیبت آنان چشم و قلب توده مردم را پر کرده و به پیروی از آنان واداشته و کسی را یارای مخالفت با آنان

نیست. در روایتی نقل است که پیامبر (ص) به یکی از اصحاب خود که اظهار داشت: «در بدر گروهی پیرمرد را کشتیم.» فرمود: «آنان، ملأ قریش بودند.» و سپس توضیح دادند که:

اگر آنان دستور می‌دادند، شما توان مخالفت نداشته، اطاعت می‌کردید و کار و فعالیت شما در برابر کارهای آنان ناچیز بود. «۲» این کلمه در قرآن، به معنای خواص، بزرگان و اشراف و کسانی است که امور حکومت با رأی و نظر آنان می‌چرخد و حاکم معمولاً برای تصمیم‌گیری از آنان مشورت می‌خواهد و

(۱). مقایس اللغه، ج ۵، ص ۳۴۶؛ تاج العروس، ج ۱، ص ۱۱۹؛ مجمع‌البیان، ذیل آیه ۲۴۶ سوره بقره؛ مفردات، ص ۴۷۲.

(۲). مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۴۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۴

برای رأی و نظر آنان ارزش و احترام قائل است. در قرآن کریم، «ملأ» هم شامل اطرافیان حاکمان مستکبر، ظالم و ستمگر یا اشراف و مستکبران مخالف پیامبران می‌شود و هم به خواص و اطرافیان عاقل یا مؤمن اطلاق می‌گردد؛ مثلاً اشراف و اطرافیان مسلکه سبا در عین کافر بودن اشخاص منطقی و فہیم بودند و نیز اطرافیان حضرت سلیمان و مشاورانش را که مردمی مؤمن بودند، «ملأ» خوانده است. «۱»

۳- مترفین

ریشه این کلمه «ترَفَّه» و به معنای نعمت فراوان است. «۲» مترف به کسی می‌گویند که در نعمتهای فراوان دنیوی قرار گرفته و سرگرم لذات و شهوات است «۳» و به همین دلیل به انجام وظایف الهی و انسانی توجه ندارد، بلکه برای عیش و نوش بیشتر، به واجبات و تکالیف پشت پا می‌زند. «۴»

بنابراین، ویژگی اتراف (قرار گرفتن در ناز و نعمت فراوان) انسان را به دام استکبار گرفتار می‌کند و در فرهنگ قرآنی، منظور از مترفین، همان مستکبران‌اند.

(۱). نمل (۲۷)، آیات ۲۹-۳۳ و ۳۸.

(۲). مفردات، ص ۷۴.

(۳). نہایہ، ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۸۷.

(۴). مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۲۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۵

گونه‌شناسی استکبار

۱- استکبار عبادی (استکبار در برابر عبادت خداوند)

وَمَنْ يَشِ تَنَكُفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ... وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنَكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا «۱»

و هر کس از پرستش خدا خودداری کند [بر خدا] بزرگی فروشد، بزودی همه آنان را به پیشگاه خود گرد آورد ... و اما کسانی را که [از اطاعت خدا] خودداری کرده، [در مقابل خداوند] بزرگی کنند، به عذابی دردناک دچار می‌سازد و آنان در برابر خدا برای خود یار و یابری نخواهند یافت.

(۱). نساء (۴)، آیات ۱۷۲-۱۷۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۶

مفردات

مَنْ: کسی که استکبروا: استکبار ورزیدند

یستکف: خودداری ورزد فیعذبهم: پس ایشان را عذاب

کند

عن عبادته: از پرستش او الیمّا: دردناک

یستکبر: بزرگی فروشد لا یجدون: نمی‌یابند

فسیحشرهم: پس بزودی ولیّا: یاری

محشور می‌گرداند

استنکفوا: خودداری ورزیدند نصیراً: یآوری

شان نزول

طایفه‌ای از مسیحیان نجران «۱» خدمت پیامبر اسلام (ص) رسیدند و عرض کردند: چرا نسبت به پیشوای ما خرده می‌گیری؟

پیامبر (ص) فرمود: من چه عیبی بر او گذاشتم؟ گفتند: تو می‌گویی او بنده خدا و پیامبر او بوده است. در این زمان آیه شریفه نازل

شد و به آنها پاسخ گفت. «۲»

این استکبار، همان استکبار در برابر حق است که به دو صورت نمود می‌یابد:

(۱). شهرست بین حجاز و یمن که از بلاد یمن محسوب می‌شود. (فرهنگ معین، ج ۶)

(۲). تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۳۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۷

الف- استکبار از عبادت و پرستش و خودداری از اظهار ذلت و خضوع در برابر خدا؛ به دیگر تعبیر، کسانی که حاضر نیستند در

برابر خدا پیشانی بندگی به خاک بسایند و اظهار ذلت و بندگی کنند، عاقبت این گونه افراد، ذلت و خواری و دوزخ است:

و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند، به زودی خوار و

ذلیل به دوزخ وارد می‌شوند.» «۱»

ب- استکبار از اطاعت خدا؛ کسانی هم هستند که به ربوبیت و الوهیت خداوند معتقدند و اهل عبادت و اطاعت‌اند. ولی این اطاعت

تا زمانی است که با شأن آنان سازگار باشد، اما هرگاه امر خدا را خلاف شأن و مرتبه [ساختگی و دروغین خود دیدند، از اطاعت

سر باز می‌زنند و اظهار بزرگی می‌کنند.

استکبار شیطان از این نوع بود. او سالیانی دراز عبادت کرده بود ولی امر خدا مبنی بر سجده بر آدم (ع) بر او سنگین آمد و آن را

دون شأن، مقام و مرتبه خود دانست و لذا استکبار ورزید.

همین استکبار او را از مقام قرب پایین کشید و به پست‌ترین درجه ذلت و خواری سوق داد. قرآن کریم داستان استکبار او را چنین

شرح می‌دهد:

(۱). غافر (۴۰)، آیه ۶۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۸

آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گِل خواهم آفرید. پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان برای او [به خاک بیفتید.] پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند، مگر ابلیس [که تکبر کرد و از کافران شد. خداوند فرمود: «ای ابلیس، چه چیز مانع تو شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از [جمله برتری جویانی؟] گفت: من از او بهترم، [چرا که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل!]] فرمود: «پس، از آن [مقام بیرون شو، که تو رانده‌ای و تا روز جزا لعنت من بر تو باد. «۱»

پیامها

۱- سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتر بینی، مجازاتهای الهی را در پی دارد.

۲- خداوند، مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خود را، به احضار در پیشگاه خود برای حسابرسی اعمال و مجازات، تهدید می‌کند.

۳- علم و ایمان به قیامت و حضور در پیشگاه خداوند، مانع از استکبار و باز ماندن از عبادت می‌شود.

(۱). ص (۳۸)، آیات ۷۱-۷۸.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۹

۴- خودبرتر بینی و روگردان از عبادت خداوند، در برابر کیفر الهی در قیامت، بدون پناهگاه خواهند ماند.

۲- استکبار سیاسی (حکمرانی به ناحق بر مردم)

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَهُ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» «۱»

فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت: پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بهره‌کشی زنده بر جای می‌گذاشت؛ که وی از فسادکاران بود.

مفردات

علا: سربرافراشت یذبح: سر می‌برید

جعل: قرار داد ابناءهم: پسرانشان را (ابناء

جمع ابن)

شيعاً: دسته دسته يستحي: نگاه می‌داشت

يستضعف: زبون می‌داشت نساءهم: زنانشان را

طائفة: گروهی مفسدين: تبهکاران

(۱). قصص (۲۸)، آیه ۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۰

مستکبران سیاسی، کسانی‌اند که حاکمیت و اداره جامعه را به دست می‌گیرند و بندگان خدا را کوچک، پست، نادان و صغیر و خود را قیم آنان می‌شمرند و بر گردن آنان سوار می‌شوند و آنان را به بردگی می‌گیرند و به ناحق و بر خلاف اصول فطری، عقلی و دینی بر مردم حکم می‌رانند. استکبار فرعون، نمرود و همه حاکمان ستمگر در طول تاریخ از این نوع بوده است.

حضرت موسی (ع) به دلیل همین استضعاف بنی اسرائیل و به بندگی گرفتن آنان، بر فرعون اعتراض کرد. اما فرعون نافرمانی موسی از خود را بهانه کرد و موسی (ع)، صفت استکباری فرعون را یادآور شد:

فرعون [به حضرت موسی (ع)] گفت: «آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدیم و سالیانی چند از عمرت را در میان ما نگذراندی و آیا تو نبودی که آن کار زشت را مرتکب شدی و به ربوبیت من کفر ورزیدی؟! ... موسی گفت: «آیا این که فرزندان اسرائیل را به بندگی گرفته‌ای، نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟!» «۱»

در دیدگاه فرعون و امثال او، بنی اسرائیل و دیگر بندگان خدا، بندگان آنان هستند و آنان حق دارند هر کدام را که بخواهند

(۱). شعراء، (۲۶)، آیات ۱۸-۲۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۱

بکشند و هر کدام را که می‌خواهند به بردگی بگیرند و این، همان استکبار سیاسی است که امروزه نیز از سوی قدرتهای جهانی - به ویژه آمریکا - بر ملل مستضعف تحمیل می‌شود. آنان همه امکانات ملل محروم را در اختیار خود می‌گیرند و سلطه سیاسی خود را بر آنها تحمیل می‌کنند.

پیامها

۱- تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته‌های مختلف و پیرو، نمود سیاستهای خودکامه و سلطه‌جویی فرعون بود.

۲- سلب آزادی و اختیار از مردم، در بینش الهی ممنوع است.

۳- عناصر برتری طلب و خودکامه، فاقد صلاحیت رهبری بر مردم‌اند.

۴- استضعاف و به زبونی کشاندن بنی اسرائیل، نمودی دیگر از حاکمیت سلطه طلبانه فرعون است.

۵- حکومت مستکبرانه فرعونها در مصر، آمیخته با فساد، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود.

۶- هر کس و هر نظام سیاسی در هر زمانی که باشد و بخواهد با طبقاتی کردن مردم، آنان را به بند و بندگی بکشد، از نظر اسلام، مستکبر و فرعون است!

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۲

۳- استکبار اقتصادی (برتری جویی اقتصادی در سایه داشتن امکانات مالی)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ وَاتَّبَعَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ «۱»

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه‌ها آنقدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگینی می‌کرد. آنگاه که قوم وی به او گفتند: «شادی مغرورانه مکن که خدا شادی کنندگان مغرور را دوست ندارد و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.»

(۱). قصص (۲۸)، آیات ۷۶-۷۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۳

مفردات

کان: بود لا تفرح: شادمانی مغرورانه مکن
 فبغی علیهم: بر آنان ستم کرد ابغ: بجوی
 آتیناه: به او دادیم لا تنس: فراموش مکن
 الکنوز: گنجها (جمع کنز) نصیبک: بهره‌ات را
 مفاتحه: کلیدهایش (جمع مفتاح) احسن: نیکویی کن
 لتنوء: سنگینی می کرد لا تبغ: مجوی
 العصبه: مردان نیرومند

آنان که با گردآوری ثروت، به آقایی می‌رسند و قطب اقتصادی می‌گردند و بر توده مردم تفاخر می‌کنند و به بغی و فساد، روی می‌آورند، مستکبران اقتصادی‌اند. قارون نمونه اعلای این گروه است. قرآن کریم در آیات فوق، خود برترینی و تحقیر توده مردم توسط قارون را بیان می‌کند و در ادامه همان آیات متذکر می‌شود که قارون در برابر تذکرات قوم، چنین پنداشت که این اموال، در سایه علم و اندیشه خودش گرد آمده است؛ در صورتی که خداوند می‌فرماید ما بسیاری از کسانی را که پیش از او و قوی‌تر از او بودند، نابود کردیم. اما قارون نیز متذکر نشد و خود و اموالش به زمین فرو رفت و هیچ کس نتوانست به کمک او برسد.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۴

در زمان کنونی ما نیز بسیاری از شرکت‌های اقتصادی و غولهای تجاری وجود دارند که در سایه قدرت نظامی بسیاری از کشورها، به دیگر ملل محروم ظلم می‌کنند و اموال و سرمایه‌های آنان را به بهای ناچیز از دستشان گرفته و سرازیر حسابهای مالی خود می‌کنند. اینان، همان مستکبران اقتصادی‌اند.

پیامها

- ۱- قارون با قوم خود، یعنی بنی اسرائیل، رفتاری ظالمانه و مستکبرانه داشت.
- ۲- ثروت افسانه‌ای قارون، موجب طغیان‌ش در برابر خداوند و ملت خود گردید.
- ۳- ثروت فراوان و نخوت آفرین، زمینه‌ساز سنگدلی و بی‌رحمی است.
- ۴- رفتار ناصحانه قوم قارون با وی، امری شایان توجه و یادآوری است.
- ۵- انسانهای مغرور و مستکبر، از لطف و محبت خداوند محروم هستند.
- ۶- بخشی از دارایی‌ها باید در راه تعمیر و آبادانی سرای آخرت مصرف شود.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۵

- ۷- دلبستگی شدید قارون مستکبر به اندوخته‌های خود، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود.

- ۸- امکانات دنیوی، باید وسیله‌ای برای دستگیری از دیگران و احسان به آنان باشد.

۴- استکبار علمی (خودبرترینی در سایه داشتن دانش)

وَإِثْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ «۱»

بخوان بر آنان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم، ولی او از لباس آیات ما به درآمد و شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان شد.

مفردات

إِثْلُ: بخوان فاتبعه: پس او را تعقیب کرد

نبا: خبر کان: بود

آتیناه: به او دادیم غاوین: گمراهان

فانسلخ: به درآمد

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۷۵.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۶

کسانی که به مراتب و درجات علمی می‌رسند و آن مرتبه علمی در آنان غرور ایجاد می‌کند و آنان را به استکبار می‌کشاند، دارای این گونه از استکبارند. نمونه‌هایی از این مستکبران نیز در قرآن نام برده شده‌اند. از جمله آنها بلعم بن باعورا است که آیه مورد بحث، به او اشاره می‌کند. خداوند، آیات توحید خود را به بلعم نمایانده بود، به گونه‌ای که حقیقت برایش آشکار و متجلی شده و هیچ شک و شبهه‌ای برایش نمانده بود، ولی او از روی استکبار و هواپرستی به جبهه کفر فرعون پیوست و در برابر موسی (ع) قرار گرفت و از لباس حق به درآمد. «۱»

نمونه دیگر مستکبر علمی، ولید بن مغیره است. او از بزرگان قریش و عالمان آنان بود که خود در مسجد الحرام سخن پیامبر اسلام را شنیده و تحت تأثیر قرار گرفته بود و حتی میان مردم شایع شده بود که اسلام آورده است. بزرگان قریش نزد او رفتند و نظرش را درباره قرآن جویا شدند، قرآن کریم عکس‌العمل او را در برابر این پرسش قریشیان چنین زیبا بیان می‌کند:

او [برای مبارزه با قرآن اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت، مرگ بر او باد! چگونه مطلب را آماده کرد! باز هم مرگ بر او باد! چگونه مطلب [و نقشه شیطانی خود] را آماده کرد! سپس

(۱). المیزان، ج ۸، ص ۳۲۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۷

نگاهی افکند و بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد آنگاه پشت [به حق کرد و تکبر ورزید و سرانجام گفت: این [قرآن جز افسون و سحری همانند سحرهای پیشینیان نیست. این تنها سخن انسان است] نه گفتار خدا!]

سامری نیز نمونه دیگری از این گروه بود که با بدعت‌های خود، دین ساختگی به بشر ارائه کرد و پس از تلاش‌های حضرت موسی (ع)، پیروان وی را به تفرقه و گمراهی دچار ساخت.

پیامها

۱- داستان بلعم باعورا، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی است.

۲- همواره در بین ادیان دیگر ولید بن مغیره‌هایی هستند که خود به حقانیت اسلام ناب پی برده‌اند، اما مقام و موقعیت و تکبرشان، آنان را به استکبار علمی می‌کشاند.

۳- انسانها، حتی عالمان هدایت یافته، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند و چه بسا شیطان، وقتی هوای نفس را بر آنان غالب دید، برای گمراهی آنان- که گمراهی امتی را در پی دارد- از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد.

۴- شیطان عنصری توانا برای آگاهی یافتن از درون آدمی و اندیشه‌های او است.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۸

۵- علم و دانش نیز همانند قدرت و ثروت، گاه انسان را به طغیان و عصیان و استکبار وامی‌دارد و این استکبار، خطرناک‌تر از انواع دیگر است، چرا که مردم دیگر را نیز به دنبال خود، به سوی نافرمانی از حق می‌کشاند! و به کار نادرست خود جلوه علمی می‌دهد!

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۲۹

ویژگیهای فرهنگ استکباری

اشاره

بهترین راه شناخت فرهنگ استکباری از دیدگاه قرآن، شناخت چهره‌های شاخص مستکبران و روش و منش آنان از طریق خود قرآن کریم است. و «ابلیس» سردمدار بزرگ جبهه استکبار است که برای نخستین بار این علم را برداشت و پیشوایی مستکبران را بر عهده گرفت. مهم‌ترین ویژگیهای مستکبران، از نظر آیات قرآن کریم، چنین‌اند:

۱- خودبرتربینی

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ «۱»
[خداوند] فرمود: «ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم

(۱). ص (۳۸)، آیات ۷۵-۷۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۰

سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از برترینها بودی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»
مفردات

ابلیس: شیطان العالین: برتری دارندگان

ما مَنَعَكَ: چه چیزی تو را باز داشت خیر: بهتر

ان تسجد: این که سجده کنی خلقتی: آفریدی مرا

بِإِيْدِي: با دستهای قدرت خود نار: آتش

استكبرْتَ: استکبار ورزیدی طین: گل

از پاسخ شیطان برمی‌آید که استکبار، از توجه به خویش و خود را محور پنداشتن ناشی می‌شود. علامه طباطبایی با استفاده از این آیات می‌نویسد:

همه گناهان در تحلیل نهایی به ادعای انانیت و ستیز با کبریایی حق تعالی برمی‌گردد، در حالی که بنده مخلوق حق ندارد که در برابر آفریدگار خویش، به خود اعتماد کرده، بگوید: «من». با این که عظمت حق سراپرده هستی را فرا گرفته و همه در پیشگاه او خاضع و ذلیل‌اند. اگر شیطان مجذوب خود نشده بود و تنها به خویش توجه نداشت و سایه خداوند قیوم را بر خویش مشاهده

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۱

می‌کرد، انانیت و خودبینی‌اش شکسته می‌شد و در برابر فرمان الهی خاضع می‌گردید. «۱»

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هر کس که بر آن است تا برای خود برتری بر دیگران ببیند، از مستکبران است. «۲»

پیامها

۱- سرزنش ابلیس به دلیل نافرمانی امر خدا (سجده بر آدم (ع)) بود.

۲- جویایی انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی، امری شایسته و بایسته است.

۳- پرس و جوی خداوند از ابلیس، درباره علل نافرمانی، شاید بدان دلیل باشد که شیطان خود دلایل استکبار ورزیدن از امر الهی را بیان و اقرار کند که این کار هم شیطان را در برابر عذاب الهی خلع سلاح کرده و هم هشدار جدی به همه بندگان خدا- به ویژه عابدان و زاهدان- است.

۴- تفاوت مبدأ و عنصر اولیه پیدایش موجودات و نوع آنها، ملاک برتری و مهتری آنان نیست.

(۱). المیزان، ج ۸، ص ۲۴-۲۵.

(۲). کافی، ج ۸، ص ۱۲۸.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۲

۵- ابلیس در مقایسه میان شخصیت خود و آدم (ع) روح الهی موجود در آفرینش آدم را نادیده گرفت.

۲- فخر و مباهات بر امتیازات مادی

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿۱﴾

[مترفین به پیامبران گفتند: «ما بیش از شما مال و فرزند داریم و در آخرت نیز عذاب نخواهیم شد.»]

مفردات

قالوا: گفتند اولاداً: فرزندان

نحن: ما بمعذبین: عذاب شدگان

اکثر: بیشتر

مترفین و مستکبرین به داشتن اموال و فرزندان بیشتر مباهات می کنند و آن را نشانه کرامت ذاتی خود می پندارند و حتی معتقدند که چون خداوند آنان را در این دنیا گرامی داشته، در قیامت نیز جایگاهی والا خواهند داشت: و هرگاه پس از ناراحتی ای که به او رسید رحمتی بدو بچشانیم می گوید: «این به دلیل شایستگی و استحقاق من بوده است و

(۱). سبا (۳۴)، آیه ۳۵.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۳

گمان نمی کنم قیامت برپا شود و [به فرض که قیامت باشد] هرگاه به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، برای من نزد او پادشاهی نیکوتر هست.» ﴿۱﴾

در بینش مستکبران، همه ارزشها با محک مادیات سنجیده می شود و یگانه معیار قضاوت، ثروت است که آمدنش نشان از حقانیت است و با نبودش از هیچ ارزشی خبری نیست. از این رو، اعتراض این گروه به فرماندهی حضرت طالوت آن بود که ما از او برای ریاست و رهبری شایسته تریم و او لیاقت این مقام را ندارد، زیرا از ثروت بی بهره است:

از کجا او سزاوار بزرگی و ریاست بر ماست، در صورتی که، ما شایسته تر از اویم و او مال فراوان ندارد؟! ﴿۲﴾

و اعتراض آنان به پیامبران این بود که چرا دستبندهای طلایی ندارند! ﴿۳﴾ از نظر آنان والاترین انسانها، با محکم ترین براهین نیز چون گنجینه طلا ندارند، نمی توانند در منصب رهبری و هدایت قرار گیرند.

(۱). فصلّت (۴۱)، آیه ۵۰.

(۲). بقره (۲)، آیه ۲۴۷.

(۳). زخرف (۴۳)، آیه ۵۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۴

پیامها

۱- مترفان، دارایی بیشتر و اولاد زیادتر را ملاک برتری و ارزش می‌دانند و همین امر سبب ایجاد خصلت حق‌ناپذیری در آنان شده است.

۲- برخورداران از امکانات رفاهی، خود را مأمون از عذاب می‌دانند، در حالی که چنین نیست.

۳- مترفان، خود را مورد عنایت ویژه خدا می‌دانند، در حالی که این گمانی بیش نیست.

۳- تقلید از نیاکان

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ﴿١﴾

و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی یافته‌ایم و ما از پی ایشان راهسپاریم].»

(۱). زخرف (۴۳)، آیه ۲۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۵

مفردات

کذلک: این گونه وجدنا: یافتیم

ما ارسلنا: نفرستادیم آبءنا: پدرانمان را

قریة: شهر یا روستا امه: آیین و روش

نذیر: هشدار دهنده آثارهم: به پیروی ایشان

مترفوها: خوشگذرانان آن دیار مقتدون: پیروی کنندگان

«عصبيت» را همبستگی شدید، طرفداری حزبی، خویشاوندی یا عقیدتی، و تعصب را غیرت به خرج دادن، زیر بار حق نرفتن و

سرسختی و پافشاری در عقیده باطل، معنا کرده‌اند. «۱»

تعصب، بیماری شایع روانی- اجتماعی است که در طبقات مختلف اجتماعی ظاهر می‌گردد و از استکبار ناشی می‌شود.

از این رو، مستکبران پایه و اساس آن را در جامعه تشکیل می‌دهند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

هشدار! بترسید، بترسید از اطاعت و پیروی بزرگان، کسانی که (با سوء استفاده) از موقعیت خود در میان مردم، گردنکشی کردند

... آنان پایه‌ها و بنیان عصبيت‌اند. «۲»

(۱). منجد الطلاب.

(۲). نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۶

همواره استکبار و عصیبت همراه یکدیگرند و همان کسی که برای نخستین بار، راه استکبار را گشود، عصیبت را نیز بنیان نهاد. [شیطان پیشوای متعصبین و پیشرو گردنکشان است که بنیان عصیبت را پایه گذاری کرده است. «۱»]

پیامها

- ۱- تمامی پیامبران الهی در طول تاریخ، مواجه با مخالفت مردمان مرفه و خوشگذران بوده‌اند.
- ۲- خداوند به وسیله این آیه، به پیامبر اکرم (ص)، در مسیر مبارزه با مشکلات رسالت دلداری می‌دهد.
- ۳- اقتدا به آیین نیاکان، تکیه گاه افراد مرفه و خوشگذران، در مخالفت با پیامبران بوده است.
- ۴- تقلید کورکورانه و تعصبات قومی، از عوامل مهم گمراهی و انحرافات اعتقادی در طول تاریخ بوده است.
- ۵- «انذار» مهم‌ترین عنصر تبلیغی در متن رسالت پیامبران الهی است.

(۱). همان.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۷

۴- انکار رسالت انبیاء

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ «۱»

ما هیچ رسولی نفرستادیم مگر آن که ثروتمندان عیاش (مستکبران) آن دیار گفتند: «بی‌گمان، ما به رسالت شما کافریم.»
مفردات

ما ارسلنا: نفرستادیم مترفوها: خوشگذرانان آن دیار قریه: شهر یا روستا بما ارسلتم به: به رسالت شما
نذیر: ترساننده کافرون: انکارکنندگان

مستکبران که خودپرستی، سراسر وجودشان را فرا گرفته است، از دیدن واقعیتها و درک حقیقتها و قبول هدایتها عاجزند. آنان آنچه را نفع و سودی برایشان داشته باشد، می‌بینند و می‌پذیرند و از هر چه به شأن و موقعیت آنان خلل وارد کند، سر باز می‌زنند. از این رو، همواره در صف مقدم مخالفان انبیا قرار می‌گیرند و برای حفظ شوکت شیطانی خود، کفر می‌ورزند. آنان حتی از شنیدن سخنان حق گریخته و با انگشت، گوشهای خود را می‌پوشانند.

(۱). سبأ (۳۴)، آیه ۳۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۸

[نوح گفت: بارالها! هر بار آنان را به مغفرت تو خواندم، انگشت بر گوش نهادند و جامه بر رخسار افکندند و به کفر اصرار ورزیده و سرسختانه استکبار نشان دادند. «۱»]

و در آیه دیگر می‌فرماید:

وای بر دروغگوی بدکار، آنکه آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود می‌شنود و بر طغیان و استکبار اصرار می‌ورزد، گویی آن آیات را نشنیده است. «۲»

پیامها

- ۱- نقش پیامبران، انذار و هشدار دادن به مردمان [و نیز تبشیر] است.

۲- برخورداری از ثروت و رفاه، موجب پیدایش خصلت حق‌ناپذیری است.

۳- مترفان، هیچ آموزه‌ای از آموزه‌های آسمانی را قبول نداشتند.

۴- خداوند با ذکر برخوردهای اقوام گذشته با پیامبرانشان، به پیامبر اکرم (ص) درباره رویارویی مشرکان با آن حضرت، دل‌داری می‌دهد.

(۱). نوح (۷۱)، آیه ۷.

(۲). جاثیه (۴۵) آیات ۷-۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۳۹

۵- تحقیر توده‌های مستضعف

... وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ «۱»

هرگز به مؤمنانی که در نظر شما خوار می‌آیند، نمی‌گویم که خداوند خیری به آنان نخواهد داد. خدا به نهان آنان آگاه‌تر است و [اگر آنان را برانم یا مأیوس کنم، از ستمکاران خواهم بود.

مفردات

لا اقول: نمی‌گویم اعلم: آگاه‌تر

تزدری: خوار آیند اذاً: بنابراین

اعینکم: چشمان شما ظالمین: ستمکاران

لن یوتیهم: هرگز به آنان نمی‌دهد

این آیه بیان پاسخ حضرت نوح (ع) به مستکبران قومش است.

بینش و قضاوت مستکبران درباره مؤمنانی که از اقشار مستضعف جامعه‌اند، این است که آنان اراذل و اوباش و ساده‌لوح‌اند. «۲» و

(۱). هود (۱۱)، آیه ۳۱.

(۲). همان، آیه ۲۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۰

نیز گمان می‌کنند که خداوند به محرومان و مستضعفان، خیر و سعادت نداده است. از این رو باید تحقیر شوند و انتظار چنین برخوردی را از سوی پیامبران نیز دارند. در صورتی که پیامبران هیچ‌گاه محرومان را از اطراف خود نمی‌رانند، بلکه به آنان توجه ویژه دارند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است:

این بخش از کلام حضرت نوح، اشاره به اعتقاد «ملاً» دارد، همان اعتقادی که اساس اشرافیگری را تشکیل می‌دهد. از نظر آنان جامعه انسانی به دو گروه اقویا و ضعفاء تقسیم می‌شود.

اقویا، صاحبان قدرت و ثروت و دارای شخصیت انسانی و شایسته سروری‌اند، همه باید برای آنان کار کنند و برای آنان آفریده شده‌اند. «ضعفاء» انسانهای منحط یا حیوانات انسان‌نما هستند و فلسفه وجودیشان خدمت به اشراف است. آنان از دایره شرافت انسانی به دور و از رحمت و عنایت الهی بی‌نصیب‌اند. حضرت نوح (ع) این اعتقاد آنان را رد می‌کند و اشتباهشان را توضیح می‌دهد که

اگر شما، آنان را تحقیر می‌کنید، به دلیل ضعف مادی آنان است در حالی که ملائک دستیابی به کمال و احراز سعادت و کرامت و پادشاهی الهی، «نفس انسان» است و صفحه جان را باید به فضائل آراست و

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۱

من و شما راهی به باطن و زوایای قلب آنان نداریم و تنها خداوند از اسرار آنان آگاه است، پس حق نداریم ضعیفان را به حرمان از سعادت محکوم کنیم و چنین قضاوتی ظالمانه است. «۱»

پیامها

۱- تهیدستان و مستضعفان جامعه، در نظر ظاهرین اشراف قوم نوح، مردمی پست و حقیر بودند.

۲- سران و اشراف قوم نوح، محرومان و مستضعفان را، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می‌پنداشتند.

۳- محروم بودن انسان از مال و منال (مادیات)، نشانه ناشایستگی او برای دستیابی به خیرهای معنوی و الهی نیست.

۴- محور ارزیابی انسانها در مکتب انبیا، جنبه باطنی و نفسانی آنهاست نه ویژگیهای ظاهری و مادی.

۵- خداوند، آگاه به امور نفسانی و جنبه روحانی انسان است.

۶- سخن نابحق گفتن درباره مردم و نالایق شمردن آنان بدون هیچ دلیل و برهان، ظلم به آنان است.

(۱). المیزان، ج ۱۰، ص ۲۱۴، تلخیص.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۲

۶- نافرمانی (فسق)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ «۱» و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند، به [سزای آنکه نافرمانی می‌کردند، عذاب به آنان خواهد رسید.

مفردات

الذین: کسانی که یمسهم: ایشان را خواهد رسید

کذبوا: دروغ پنداشتند یفسقون: فسق پیشه کردند

چون مبنای فکری و عقیدتی مستکبران را ماده‌پرستی تشکیل می‌دهد و بر معیار خودپرستی عمل می‌کنند، در منجلا ب شهوت غوطه‌ور می‌شوند و بی‌بند و باری را به اوج می‌رسانند. آنان نه تنها خود فاسدند، بلکه ریشه هر فساد اجتماعی‌اند و از این قشر، بی‌بند و باری به اقشار پایین جامعه سرایت می‌کند و آلودگی در سطحی گسترده، پخش می‌شود.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

وقتی خوی زمین‌خواری و باغ‌داری و کاخ‌نشینی در بین مردم باشد، اسباب آن می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا بشود، اکثر

(۱). انعام (۶)، آیه ۴۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۳

این خویهای فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است. «۱»

پیامها

۱- تکذیب کنندگان آیات الهی به عذاب گرفتار خواهند شد.

۲- مداومت بر فسق (عصیان و خروج از مسیر حق) موجب عذاب الهی می‌شود.

۳- تکذیب رسالت انبیا، فسق است و تکذیب کنندگان، فاسق‌اند.

۴- عدول از حق در بینش و اعتقادات، زمینه تکذیب آیات الهی می‌گردد.

(۱). صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۵

زمینه‌های پدید آمدن استکبار

برخی از عوامل سبب می‌شود که اشخاص به دام خودبزرگ‌بینی و استکبار گرفتار آیند و گمان کنند که از دیگر بندگان خدا برترند.

این عوامل یا زمینه‌ها عبارتند از:

۱- برتری‌بینی‌های توهمی قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَشْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ «۱»

فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را بازداشت از اینکه سجده کنی؟»

گفت: «من از او برترم؛ زیرا مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای.»

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۶

مفردات

ما منعك: چه چیز تو را بازداشت خلقتنی: مرا آفریدی

اذ امرتك: زمانی که دستور دادم من نار: از آتش

أنا: من خلقته: او را آفریدی

خیر: برترم، بهترم من طین: از گل

خداوند موجودات را به صورتهای مختلف آفریده و افراد هر صنف را نیز ویژگیهای فردی در خلقت عطا کرده است.

ولی باید توجه داشت که هیچ چیزی جز خدا شرافت و کرامت ذاتی، نفسی و استقلال ندارد و هر موجودی هر چه دارد، از عنایت و فضل اوست. پس باید از انتساب کرامتهای ظاهری به ذات خود پرهیز کرد و گرفتار توهم خودبینی نشد که خودبینی، سر استکبار است. نخستین مستکبر عالم، ابلیس بود که از همین جا لغزید. او وقتی مأمور به سجده بر آدم شد، به خلقت خود نگرست و با توجه به خلقت خود از آتش و خلقت آدم از خاک از سجده کردن بر او خودداری ورزید، زیرا او آتش را از خاک برتر شمرد و خود را مقدم بر آدم دانست.

یهودیان نیز گاه گرفتار همین توهمات باطل شده‌اند و گمان برده‌اند که نژادشان از سایر نژادها برتر است. هم اکنون نیز نژادپرستان صهیونیست در سایه همین افکار باطل، دچار استکبار

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۷

و خودبرتری‌بینی شده‌اند و از هر گونه ظلم و ستم بر ملت مظلوم فلسطین و نیز کشورهای همسایه خود خودداری نمی‌کنند. آنان گمان می‌کنند که از نژاد برتری هستند و سایر انسانها باید در خدمت آنان باشند.

پیامها

۱- تکبر و خودبرتربینی ابلیس، عامل تمرد وی از اطاعت فرمان خداوند شد.

۲- ابلیس، موجودی متکبر، نژادپرست و گستاخ در برابر خداوند بود.

۳- نژادپرستی، از ارزشهای شیطانی است.

۴- باور به خالقیت خداوند، مانع عصیان و تمرد نخواهد شد.

۵- ابلیس اولین کسی بود که قیاس کرد و به اشتباه افتاد.

۲- امکانات و قدرت اقتصادی

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِيهِ ... «۱»

آنان را قدرت و مکتبی در زمین دادیم که به شما نداده‌ایم.

(۱). احقاف (۴۶)، آیه ۲۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۸

مفردات

لَقَدْ: به تحقیق فیما: در آنچه

مَكَّنَّاهُمْ: قدرت بخشیدیم ایشان را اِنْ: (حرف نفی کننده)

مَكَّنَاكُمْ: قدرت بخشیدیم شما را فیه: در آن سرزمین

اقوامی که دارای تمدنهای عظیم گشته و در سایه امکانات عظیم اقتصادی، قدرت و شوکت کم نظیر به دست آورده‌اند، همین قدرت و تمکین در زمین، آنان را به طغیان و خیره‌سری کشانده است. آیه یاد شده درباره قوم عاد است که دارای چنان قدرتی بودند که قرآن کریم می‌فرماید چنان قدرت به شما داده نشده است. علت استکبار فرعون و نمرود و امثال آنها نیز از همین جا ناشی می‌شود؛ زیرا آنها گمان می‌کنند که چون قدرت ظاهری‌شان از دیگران برتر است، کسی را نمی‌رسد که آنان را راهنمایی کند و یا به راه راست فرا بخواند. همین سر استکبار آنهاست. قدرت نظامی و اقتصادی برخی از رژیمهای کنونی جهان همچون آمریکا نیز سبب شده که آنها مستکبرانه به دیگر ملتها بنگرند و خود را برتر تصور کنند. آنان به همین جهت گمان می‌کنند ارباب جهان هستند و دیگر کشورها باید خود را با آنها هماهنگ نمایند و گرنه کشورهای سرکش محسوب می‌شوند که باید مجازات گردند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۴۹

پیامها

۱- قوم عاد، برخوردار از قدرت و امکاناتی بس فزونیتر از مشرکان مکه بوده‌اند.

۲- هلاکت قوم عاد، به رغم داشتن توان و نیروی قوی و گسترده، هشدار است به تمامی مشرکان.

۳- تمامی امکانات و توانایی‌های انسان، از آن خداوند است گرچه خود توجه نداشته باشد.

۳- احساس بی‌نیازی

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ أُن رَّاهُ اسْتَغْنَى «۱»

همانا انسان طغیان می‌ورزد اگر خود را بی‌نیاز ببیند.

مفردات

اِنَّ: به درستی که رَاهُ: ببیند خودش را

لِطَغْي: حَتْمًا سرکشی می کند استغنی: بی نیاز

ان: اینکه

اگر در انسانها احساس بی نیازی نسبت به پروردگار و حتی نسبت به هموعان پدید آید این احساس آنها را به طغیان در

(۱). علق (۹۶)، آیات ۶-۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۰

برابر خدا و خلق وامی دارد. مترفان که از امکانات مادی فراوان برخوردارند به سوی خوشگذرانی و ولنگاری می گرایند و از پذیرش قیود و قوانین محدود کننده آزادیهای بی حساب، ابا می ورزند. از طرف دیگر، این غرقه بودن در نعمتها روحیه خودبینی می آفریند و گمان می کنند که در پیشگاه خدا ارج و قرب خاصی دارند که دیگران از این ارج و قرب محرومند.

پیامها

۱- انسانها اگر گمان کنند که بی نیاز از خداوند هستند به طغیان و سرکشی گرفتار می آیند.

۲- مترفان در طول تاریخ، به دلیل امکانات مالی خویش، سرکشی نموده و در برابر پیامبران عرض اندام می کردند.

۴- غرور علمی

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ «۱»

هنگامی که رسولان نشان، دلایل روشن برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال شدند [و دل بستند] و آنچه را به تمسخر می گرفتند، آنان را فراگرفت.

(۱). غافر (۴۰)، آیه ۸۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۱

مفردات

فَلَمَّا: پس چون فرحوا: شاد شدند

جاءتْهم: آمد ایشان را حاق بهم: فرا گرفت ایشان را

بِالْبَيِّنَاتِ: به همراه دلایل روشن یستهزون: استهزا و مسخره می کردند

کسانی که مهذب نیستند پس از دسترسی به اطلاعات و علوم گوناگون، گرفتار غرور علمی می گردند و به واسطه آن علم- گرچه علوم دینی باشد- مغرور می شوند و دیگر حاضر به شنیدن سخنان و نظریات دیگران نیستند و غیر خود را بر حق نمی شمردند و گوش به سخنان آنان نمی دهند. بسیاری از مخالفان انبیا، از همین قشرها بودند که به علوم خود می نازیدند و آنها را برتر از سخنان پیامبران می دانستند. جبهه گیری های بسیاری از عالمان اهل کتاب در مقابل رسالت پیامبر اکرم (ص) از همین مقوله بود که خداوند متعال آنها را به عذاب دردناک بشارت داده است. «۱»

در جهان کنونی نیز که بسیاری از مسائل پیرامون مسأله تضاد دین و علم از طرف برخی از افراد مطرح می شود از همین مطلب نشأت می گیرد. آنان گمان می کنند که علوم متداول در جهان و

(۱). ر. ک. توبه (۹)، آیه ۳۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۲

بوژه اکتشافات جدید علمی، آنان را بی نیاز از دین نموده و تکیه بر علوم روز می‌تواند آنان را به خوشبختی و کامیابی نهایی برساند. از این رو در برابر حرکت‌های دینی موضع می‌گیرند و گرفتار استکبار می‌گردند.

پیامها

۱- برخورداری از دانش و تجربه بشری در اداره زندگی، موجب غرور و احساس بی‌نیازی برخی از اقوام قدرتمند پیشین، از تعالیم آسمانی و پیامبران الهی گردید.

۲- علوم و تجربه‌های بشری نمی‌تواند جایگزین تعالیم الهی و تجربه‌های پیامبران شود و انسان را از آنها بی‌نیاز سازد.

۳- بسیاری از اقوام صاحب قدرت و مکتب و دل خوش کرده به دانش بشری خویش، عذاب الهی (عذاب استیصال) را به تمسخر گرفته بودند.

۴- تمسخر، از حربه‌های مخالفان قدرتمند و صاحب مال بود.

۵- ناتوانی فکری و علمی مخالفان تعالیم پیامبران در برابر منطق ایشان روشن شد.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۳

۵- جرم پیشگی

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١﴾

و ای کسانی که کفر ورزیده‌اید مگر آیات من بر شما خوانده نشد، پس استکبار ورزیدید و شما قومی جرم‌پیشه بودید. مفردات

افلم تکن: آیا نبود فاستکبرتم: پس بزرگی فروختید

تُتْلَى: خوانده می‌شد کنتم: بودید

عليكم: بر شما مجرمین: گناهکاران

پیامها

۱- کافران در قیامت به سبب استکبار در برابر آیات الهی، مورد ملامت و سرزنش‌اند.

۲- کافران، محروم از رحمت الهی و رستگاری در قیامت می‌باشند.

۳- اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان صورت می‌گیرد.

(۱). جائیه (۴۵)، آیه ۳۱.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۴

۴- استکبار و جرم‌پیشگی، مهم‌ترین عامل گرایش کافران به کفر و انکار آیات الهی بوده است.

۵- روحیه استکباری کافران، در برابر آیات الهی، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان بوده است.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۵

شیوه‌های استکباری

مستکبران برای دستیابی به قدرت و حفظ آن، از روشها و شیوه‌های گوناگونی بهره می‌جویند که مهم‌ترین آنها، براساس رهنمودهای قرآن کریم عبارتند از:

۱- به بردگی گرفتن انسانها

فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿١﴾

پس گفتند: آیا به دو انسان مثل خود ما، که طایفه آنها [نیز] بندگان ما هستند، ایمان بیاوریم؟
مفردات

فقالوا: پس گفتند قومهما: طایفه آنها

أتؤمن: آیا ایمان آوریم عابدون: بندگان، پرستندگان

بشرین: دو بشر - دو انسان

(۱). مؤمنون (۲۳)، آیه ۴۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۶

قرآن کریم از شیوه فرمانروایی فرعون به «تعبید» تعبیر می‌کند.

تعبید به معنای بنده گرفتن و مردم را به زور نیزه به اطاعت واداشتن و از حقوق انسانی محروم کردن است. در آیه مورد بحث نیز فرعون و مستکبران قومش می‌گفتند که بنی اسرائیل، بندگان ما‌یند. روشن است که بنی اسرائیل، فرعون را پرستش نمی‌کردند و در ظاهر برده او نبودند، ولی سیطره طاغوتی و ظالمانه فرعون، چنان بر مردم سایه افکنده بود که از خود، اراده و شخصیتی نداشتند و به اجبار و قهر، از فرمان او بدون چون و چرا پیروی می‌کردند. خداوند بزرگ در سوره‌ای دیگر، این سیطره ظالمانه را از زبان فرعون چنین نقل می‌فرماید: «و ما بر آنان مسلطیم». (۱)

حضرت علی (ع) هم در خطبه قاصعه، محکومیت بنی اسرائیل در چنگال فرعون و تسلط ستمگرانه فرعون را «بنده گرفتن» می‌خواند و می‌فرماید: «فراعنه، آنان را به بندگی گرفته بودند». (۲)

بنابراین، فرمانبرهای اجباری از نظر اجتماعی عبادت است و شیوه مستکبران پیوسته چنین است که همه مردم را «عبد» خود قلمداد می‌کنند. چنان که حضرت علی (ع) در مورد بنی‌امیه نیز خبر داده که آنان بندگان خدا را به بندگی خود می‌گیرند. (۳)

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۲۷.

(۲). نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

(۳). همان.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۷

پیامها

۱- فرعون و اشراف دربار او، منکر صلاحیت بشر برای دستیابی به مقام رسالت الهی هستند.

۲- فرعونیان، منکر هر گونه امتیاز برای موسی و هارون (ع) بودند.

۳- تحقیر حضرت موسی و هارون از سوی فرعون و اشراف دربار او، به دلیل داشتن خاستگاه پایین اجتماعی آنها بود.

۴- نژادپرستی و خوی برتری‌جویی فرعون و اشراف دربار او، عامل نادیده گرفتن معجزات و دلایل روشن حضرت موسی و هارون (ع) بود.

۲- جنگ روانی

قَالَ اَلْقُوا فَلَمَّا اَلْقَوْا سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١﴾

[موسی گفت: «شما بیفکنید.» و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان

آوردند.

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۱۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۸

مفردات

الْقَوَا: بیفکنید اعین الناس: چشمهای مردم را

فلما: پس چون استرهبوهم: ایشان را ترساندند

الْقَوَا: افکندند جاؤا بسحر: آوردند سحری را

سحروا: سحر کردند

مستکبران برای این که بتوانند بر مستضعفان جامعه سلطه یابند، توان تفکر و تجزیه و تحلیل مسائل را از آنان می گیرند. در جامعه استکبار زده، عموم مردم عوام هستند و قدرت تحلیل و فهم مسائل را ندارند و عقلشان به چشمشان است. چون حضرت موسی (ع) در جامعه استکبارزده فرعون برای دعوت به توحید قیام می کند، مستکبران او را به مبارزه فرامی خوانند و ساحران ورزیده را برای مبارزه با او بسیج می کنند. در این جامعه، چنان حاکمان مستکبر از قیام توده مردم خیالشان راحت است که حاضر می شوند این مبارزه در حضور آنان باشد:

هم اکنون موعدی میان ما و خود قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم، آن هم در مکانی هموار. [فرعون گفت: «موعد من و شما روز زینت، به شرط این که در نیمروز و هنگام اجتماع همه مردم باشد.»] «۱»

(۱).

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۵۹

حتی درباریان فرعون، مردم را جمع می کنند تا با هیاهو و شعار، سبب تقویت روحیه ساحران شوند و در صورت پیروزی، آنان را تشویق کنند و مطمئن بودند که مردم تحت تأثیر موسی قرار نمی گیرند سپس ساحران با کارهای عجیب و غریب، چشم مردم را مسحور کردند و چنان بر ذهن و فکر آنان غالب آمدند که دیگر توان فکر، تجزیه و تحلیل نداشتند. آیه ابتدای بحث بر همین مطلب اشاره دارد و این همان استحماری است که همه مستکبران و ظالمان برای بسط حاکمیت خود از آن بهره گرفته اند.

پیامها

۱- موسی (ع) با اعتقاد و اعتماد به خداوند بزرگ، از شکوه ظاهری و جوسازی درباریان نهرا سید و شروع مبارزه را به ساحران وا گذاشت.

۲- جادوی ساحران فرعون از نوع چشمبندی، تردستی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است.

۳- جادوی ساحران فرعون، مایه هراس شدید مردم گشت.

۴- مستکبران، حتی از تردهستان و ساحران برای تحمیق مردم و ادامه سلطه مستکبرانه خویش سود می جویند؛ چنان که مستکبران امروز جهان و در رأس آنان، آمریکا و یهود، نیز برای تحمیق مخاطبان خود از رسانه های جمعی و بین المللی سود می برند و به هر روشی متوسل می شوند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۰

۳- فریب و خدعه

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ «۱»

همچنین هیچ پیامبری پیش از آنان نیامد، مگر آنکه گفتند: «جادوگر یا دیوانه است.»

مفردات

کذلک: اینچنین قالوا: گفتند

ما اتی نیامد ساحر: جادوگر

رسول: فرستاده- پیامبر خدا مجنون: دیوانه

تبلیغات شیطن‌آمیز و همراه با مکر و حيله، از دیگر روشهای مستکبران است. آنان برای خاموش کردن فریاد حق‌طلبانه انسانهای الهی، فضای جامعه را از دروغ و تهمت پر می‌کنند تا تشخیص حقیقت برای توده مردم سخت شود. از این رو، در تاریخ، پیوسته پیامبران را «ساحر» و «مجنون» معرفی کرده‌اند.

فرعون در برابر دعوت موسی (ع) می‌گفت: «می‌ترسم که او دین شما را عوض کند یا در زمین فساد بيفکند.» «۲» او بدین وسیله به مردم القا می‌کرد که شما، خود دارای دین و آیین هستید و با

(۱). ذاریات (۵۱)، آیه ۵۲.

(۲). غافر (۴۰)، آیه ۲۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۱

بودن موسی از دو جهت نگران شما هستیم: یکی آنکه عقیده شما را بگیرد و دیگر آنکه اختلاف افکنی کند و فساد به پا نماید.

پیامها

۱- مستکبران، همواره با تبلیغات دروغین خویش، درصدد مقابله با پیامبران الهی بوده‌اند.

۲- تهمت سحر و جنون به همه پیامبران الهی زده شده است.

۳- مستکبران برای مقابله با رسولان الهی، گاه از راه تظاهر به دلسوزی برای دین و آیین مردم وارد شده، پیام‌آوران الهی را گمراه و گمراه‌کننده خوانده‌اند و می‌خوانند. طرفداری از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و مانند آن مصداقهای کاملی بر این روش مستکبران جهانی است که از فرعون و قبل او شروع شده و تا امروز ادامه دارد.

۴- رواج آداب و رسوم قومی

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ «۱»

هیچ رسولی را پیش از این به‌هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه مترفین آن دیار به رسولان گفتند: «ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنان پیروی می‌کنیم.»

(۱). زخرف (۴۳)، آیه ۲۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۲

مفردات

ما ارسلنا: نفرستادیم آبءنا: پدرانمان را

قریة: شهر یا روستا امه: آیین و روش

نذیر: هشداردهنده آثارهم: بر روش ایشان

مترفوها: خوشگذرانان آن سرزمین مقتدون: رهسپاریم

وجدنا: یافتیم

مستکبران برای ایجاد الفت و اعتقاد میان زبردستان خود و به وجود آوردن اتحاد قومی و تاریخی، به آداب و رسوم قومی و قبیله‌گی توسل می‌جویند و با ساختن نمادهای قومی و رواج آنها، همگی را پیرامون این نمادها گرد می‌آورند. عشق و اعتقاد به این نمادها، هیچ دلیل عقلانی ندارد و تنها از علاقه قومیت، ملیت و پابندی به رسوم و اعتقادات آبا و اجدادی نشأت می‌گیرد. سلاح فرعونیان نیز در برابر حضرت موسی (ع) همین بود که می‌گفتند: «آیا آمده‌ای تا ما را از مرام پدرانمان برگردانی؟!». «۱» دشمنان حضرت صالح (ع) نیز می‌گفتند: «آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، باز می‌داری؟» «۲» آنان با این استفهام اظهار می‌کردند:

(۱). یونس (۱۰)، آیه ۷۸.

(۲). هود (۱۱)، آیه ۶۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۳

تو ما را از مراسم ملی و سنتهای تاریخی مان نهی می‌کنی و می‌خواهی برترین مظاهر فرهنگ ملی و قومی ما را، که بت پرستی است، از میان جامعه برداری؟! مگر نه این است که تاریخی بودن این سنتها و آداب خود دلیل اصالت و حقانیت آنهاست و همین سنتهاست که وحدت ملی و فرهنگ قومی ما را تشکیل می‌دهد؟! «۱»

پیامها

- ۱- افراد مرفه و خوشگذران، در مخالفت با آیین پیامبران، به آیین نیاکان خود تکیه می‌کردند.
- ۲- گرایش به مادی گرایی و دنیا طلبی، قدرت اندیشه را تضعیف و آدمی را به سوی تقلید کورکورانه سوق می‌دهد.
- ۳- تقلید کورکورانه و آداب و رسوم قومی، از مهم ترین عوامل گمراهی و انحراف در طول تاریخ بوده است.
- ۴- پیامبران الهی در راه ایفای رسالت خود، با مشکلاتی همگون و مشابه مواجه بوده‌اند.
- ۵- انسان با چشم پوشی از هدایت الهی، فرو غلتیده در سنتهای قومی و تقلیدهای محیطی بوده است.

(۱). المیزان، ج ۱۰، ص ۳۱۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۴

۵- سرکوب

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ «۱»

دست و پای شما را یکی از راست و دیگری از چپ قطع می‌کنم و همه شما را به دار خواهم آویخت.

مفردات

لاقطعن: حتماً قطع خواهم کرد مِنْ خِلَافٍ: بر عکس یکدیگر

ایدیکم: دستهایتان ثم: سپس

ارجلکم: پاهایتان لاصلبنکم: حتماً به دار خواهم آویخت

از دیگر شیوه‌های مستکبران، روش سرکوب حق طلبان است که با زندان، تبعید، شکنجه و کشتار انجام می‌گیرد. این اقدامات سرکوبگرانه گاه پیش از ظهور و تکوین نطفه‌های انقلاب و به منظور جلوگیری و پیشگیری از ظلم ستیزی و اعتراض انجام می‌شود و

گاه پس از ظهور انقلاب و به منظور از بین بردن فریادهای اعتراض و نابود کردن چهره‌های انقلابی، همان گونه که در آیه یاد شده نیز فرعون، ساحران مؤمن را تهدید کرد.

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۲۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۵

پیامها

- ۱- فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد.
- ۲- فرعون، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان، تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست.
- ۳- تهدید و سرکوب، از راههای مبارزه اهل باطل با اهل حق است.
- ۴- ایمان به رسالت موسی (ع)، خیانتی بزرگ از دیدگاه فرعون بود و مجازاتی سخت را در پی داشت.
- ۵- مؤمنان واقعی، در راه بیان عقیده خود، از هیچ آزار و شکنجه و سرکوبی ترس به دل راه نمی‌دهند؛ چنان که ساحران پس از دریافت حقیقت، چنین کردند.
- ۶- ایجاد جامعه طبقاتی
 إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ «۱»
 فرعون در زمین بلندپروازی کرد و اهل آن را دسته دسته ساخت و گروهی را به استضعاف گرفت.

(۱). قصص (۲۸)، آیه ۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۶

مفردات

علا: برتری جست شیعاً: دسته دسته

فی الارض: در زمین يستضعف: ضعیف نگاه می‌داشت

جَعَلَ: قرار داد طائفة: گروهی

مستکبران ستمگر، برای اینکه پایه‌های حاکمیت خود را محکم کنند و از خشم توده‌های مردم در امان باشند، از روش ایجاد اختلاف و درگیریهای قومی و قبیله‌ای بهره می‌گیرند. آنان گروهها را علیه یکدیگر تهییج می‌کنند و به جان هم می‌اندازند و خود آتش‌بیار معرکه می‌شوند تا نیروی آنان در این درگیریها مصرف شود و دیگر فرصت تفکر درباره حاکمیت و ظلم‌های او را نیابند. روش فرعون نیز همین گونه بود و قبطیان را بر بنی اسرائیل چیره ساخته بود و آتش جنگ را میان این دو گروه شعله‌ور کرده بود.

پیامها

- ۱- تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته‌های گوناگون، از سیاستهای فرعون بود.
 - ۲- فرعون به سبب سرکشی خود، گمان می‌کرد که همه مردم باید تحت فرمان او باشند و هر گونه که بخواهد با آنها رفتار کند.
- استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۷

اصول بنیادین مبارزه با استکبار

عقل و شرع، بر ضرورت مبارزه با استکبار حکم می‌کنند و مستضعفان و آزادگان را موظف می‌دانند که به رویارویی با مستکبران

بپردازند. در اینجا برخی از اصول این مبارزه را بیان می‌کنیم:

۱- خودباوری و اعتماد به نفس

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ «۱»

و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید.

مفردات

و لا تهنوا: سستی نکنید الاعلون: برتر والاطر

و لا تحزنوا: غمگین مباشید ان کنتم: اگر باشید

(۱). آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۸

در صفحات قبل بیان شد که یکی از روشهای غلبه مستکبران بر توده مردم و به استضعاف کشیدن آنان، تلقین این مطلب است که توده مردم بدون تکیه بر ثروتمندان، صاحب منصبان و قدرتمندان قادر به ادامه حیات نیستند. تا آنجا که فراعنه، خود را خدای مردم در روی زمین و ربّ برای مردم معرفی می‌کردند.

پیامبران الهی، در برابر این سیره مستکبران، همواره در پی زدودن جهل و نادانی از مستضعفان و القای روحیه و اعتماد به نفس و توکل بوده‌اند.

مقارن با ظهور اسلام، مردم از ناحیه قدرتمندان و ثروتمندان فریب خورده بودند و به چیزهایی معتقد بودند که تصور باطل بودن آنها به ذهنشان خطور نمی‌کرد، تا آنکه پیامبر اکرم (ص) ماهیت قوانین حاکم بر جامعه را آشکار کرد و برتری نداشتن صاحب منصبان بر توده مردم و تساوی سفید و سیاه و قریشی و غیر قریشی را به اثبات رساند و مردم باور کردند که آنان نیز شخصیتی مساوی با شخصیت صاحب منصبان اجتماعی دارند.

در عصر ما نیز مستکبران این پندار نادرست را بر ملتها تحمیل کرده‌اند که شرق بدون تکیه بر غرب نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. اما امام خمینی (ره) با زدودن این اندیشه از ملت ایران، ثابت کرد که یک ملت می‌تواند بر خود تکیه کند و به پیروزی برسد و این پیروزی و امداد خودباوری و اتکای به

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۶۹

نفس است. آن امام در جمع شرکت کنندگان در کنگره آزادی قدس فرمود:

باید مردم را بیدار کنند. این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله به آنها باورانده بودند که نمی‌شود با آمریکا یا شوروی مخالفت کرد و الان هم باور ملتهای دیگری هست. باید به آنها فهماند که می‌شود. بهترین دلیل این که امری ممکن است، وقوع اوست و این امر در ایران واقع شد. «۱»

پیامها

۱- نباید اهل ایمان در هنگامه‌های دشوار (رویاری با دشمنان) سستی و اندوهی به خویش راه دهند.

۲- شکست در جنگ، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود.

۳- ایمان و روحیه قوی، رمز استواری و ثبات قدم در رویاری با دشمنان است.

۴- برتری مسلمانان بر دیگران، در گرو ایمان آنان است.

۵- آگاهی مؤمنان به ارزش ایمان، در آنان اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و در برابر تبلیغات دروغین دشمن، دچار خودکم‌بینی و

خود باختگی نمی شوند.

(۱). صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۷۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۰

۲- برخورد تهاجمی با استکبار

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا «۱»
کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت ضعیف است.

مفردات

الذین: کسانی که فقاتلوا: پس بکشید

یقاتلون: کارزار می کنند، می جنگند اولیاء: دوستان و یاوران

طاغوت: حاکم ستمگر کید: نیرنگ و حيله

مستکبران همانند آن حیوانی هستند که هرگاه بدو حمله کنی عقب می نشیند و هرگاه بگریزی در پی‌ات می دود. وجود این روحیه در مستکبران اقتضا می کند که مردم مستضعف، همواره در برابر آنان، موضعی تهاجمی اختیار کنند، تا آنان زمینه پیشروی نیابند. افزون بر آن مستکبران، اهل شفقت و دلسوزی

(۱). نساء (۴)، آیه ۷۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۱

نیستند تا چنانچه ملتی را در ضعف و ناتوانی مشاهده کنند، به رحم آیند و از استعمارش دست بردارند، بلکه آنان همچنان به ظلم خود ادامه می دهند. سیره پیامبران در برخورد با مستکبران، سیره‌ای تهاجمی بوده است. پیامبر اکرم (ص) در نامه‌هایی که به سران ایران و روم و برخی کشورهای دیگر فرستاد، با آنان از موضعی برتر سخن گفت. در نامه آن حضرت به کسری، پادشاه ایران، آمده است:

مسلمان شو تا در سلامت باشی و اگر ابا کنی، گناه مجوس بر عهده تو است.

جمله «مسلمان شو تا در سلامت باشی» در نامه‌های آن حضرت به قیصر روم، پادشاه مصر و نجاشی دوم و پادشاه یمامه نیز به چشم می خورد. «۱»

پیامها

۱- نبرد در راه خدا، از ویژگیهای بارز مؤمنان واقعی است. استکبار ستیزی در قرآن ۱۰۷

۲- تقویت طاغوت، از ویژگیهای کافران است.

۳- طاغوتها و هموارکنندگان راه آنها، دوستان و یاوران شیطانند.

(۱). ر. ک. مکاتیب الرسول، علی احمدی میانجی، ج ۱، ص ۹۰، ۹۷ و ۱۰۵.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۲

۴- این آیه بیانگر سست بنیادی نقشه‌ها و ترفندهای طاغوتها و شیاطین است.

۵- بیان ضعفهای دشمن، از شیوه‌های قرآن برای تقویت روحیه مؤمنان است.

۶- مؤمن، همواره خود را در موضعی بالاتر از کفر و شرک دانسته، با قوت و صلابت کامل با آنان سخن می‌گوید و برخورد می‌کند.

۳- شکیبایی و پایداری در مبارزه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١﴾

هرگاه بیست نفر با پایداری از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از

(۱). انفال (۸)، آیات ۶۵-۶۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۳

کافران؛ زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند. هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ناتوانی است. بنابراین، هرگاه صد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد و خدا با صابران است.

مفردات

ان یکن: اگر باشد الفاً: هزار نفر

عشرون: بیست نفر لا یفقهون: نمی‌فهمند

یغلبوا: پیروز می‌شوند خفف: تخفیف داد

مائتین: دویست نفر الفین: دو هزار نفر

مائة: صد نفر صابرين: صبر پیشه‌کنندگان، بردباران

سومین اصل اساسی که باید در مبارزه مد نظر باشد، شکیبایی و بردباری در برابر مشکلات و گرفتاریهاست. روشن است که ابعاد پیروزی در مبارزه با قدرتمندان و مستکبران به تناسب توان قدرت و ایادی آنان در ابعاد مختلف و نیز به تناسب میزان قدرت مستضعفان در مصاف با مستکبران، متفاوت است و بسا که مبارزه ملتی دهها سال طول بکشد. در چنین شرایطی،

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۴

نیل به پیروزی و استقلال کامل، نیاز به شکیبایی و پایداری دارد. خداوند سبحان در قرآن کریم پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان را محصول صبر و شکیبایی آنان در مبارزه معرفی نموده است. «۱»

خداوند در آیات مورد بحث نیز به همین مسأله اشاره دارد و می‌فرماید که هر نفر از مؤمنان مستضعف توان غلبه بر ده نفر از کافران مستکبر را دارد، زیرا آنان بینش صحیح ندارند و عاملی آنان را در صحنه‌های خوف و خطر به مقاومت نمی‌خواند ولی شما از بینش عمیق بهره‌مندید و می‌توانید با نیروی صبر و مقاومت، آنان را از میان ببرید. البته در آیه بعد یادآور شده که چون در گذر زمان شما ناتوان شده‌اید و از صبر و قدرتتان کاسته شده، بنابراین توان دارید که دو برابر خودتان را از میان بردارید و به پیروزی برسید.

رمز پیروزی دیگر پیامبران نیز شکیبایی و پایداری معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید. «۲»

(۱). اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

(۲). انعام، (۶) آیه ۳۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۵

پیامها

۱- تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران، وظیفه‌ای الهی بر عهده پیامبر است.

۲- اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان هستند، حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران!

۳- پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن، نویدی تضمین شده از جانب خداوند است.

۴- صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران است.

۵- درک معارف الهی مانند توحید و معاد و ایمان به آنها، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن می‌باشد.

۶- کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان هستند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۷

شیوه‌های مبارزه با استکبار

۱- در ابعاد سیاسی - نظامی

الف- تحقیر مستکبران و شکستن شکوه دروغین آنان

يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ كَبَرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿١﴾

ای قوم من! اگر مقام و یادآوری من به آیات الهی بر شما سنگین و تحمل‌ناپذیر است [هر کار از دستتان ساخته است بکنید] من بر خدا توکل کرده‌ام، فکر و قوه و قدرت خود و خدایانتان را یک جا گردآورید تا هیچ چیز بر شما پوشیده نماند، پس اگر می‌توانید به حیات من پایان دهید و هیچ مهلت‌م ندهید.

(۱). یونس (۱۰)، آیه ۷۱.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۸

مفردات

یا قوم: ای قوم من فاجمعوا: گرد آورید

کبر: تحمل‌ناپذیر و سنگین غمه: پوشیده مانده

مقامی: جایگاه من اقضوا الی: به حیات من پایان دهید

تذکیری: یادآوری من و لا تنظرون: مهلت‌م ندهید

این آیه، سخن حضرت نوح (ع) به قومش است و لحن آن شامل تحقیرآمیزترین گونه برخورد با آنان است. آن حضرت می‌فرماید که همگی شما با خدایانتان متحد شوید و بر من هیچ ترحم نکنید و اگر می‌توانید جان مرا بگیرید و خود را راحت کنید، ولی بدانید که من به پشتیبان قادر و توانایم تکیه کرده‌ام و از شما خوف و هراسی ندارم.

برخورد ساحران فرعون نیز پس از ایمان آوردن به موسی (ع)، برخوردی کوبنده و تحقیرآمیز بود. آنان، پس از تهدیدهای فرعون

مبنی بر قطع دست و پایشان، با استواری تمام پاسخ دادند:

گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به ما رسیده و بر خدایی که ما را آفریده است ترجیح نمی‌دهیم و اختیار نمی‌کنیم. هر کار که می‌خواهی و می‌توانی بکن که قدرت تو تنها در پایان دادن به حیات دنیایی ما کارآیی دارد. «۱»

(۱). طه (۲۰)، آیه ۷۲.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۷۹

این پاسخ، بسیار تحقیر کننده و شکننده بود و آنان به طاغوتی جبار چون فرعون اعلام کردند که ما هرگز تو را بر خدا ترجیح نمی‌دهیم و جایزه و پاداش تو برای ما ارزشی ندارد. این گونه پاسخها و برخوردها، شکوه و شوکت مستکبران را خرد می‌کند و تباه می‌سازد.

پیامها

۱- بیان داستان پیامبران در قرآن کریم، برای عبرت آموزی و هشدار به مردم است.

۲- برخورد پیامبران با قومشان، برخوردی عاطفی، ترحم آمیز و مشفقانه بود.

۳- حضرت نوح (ع) به حقانیت رسالت خویش، ایمان و اطمینان کامل داشت و با توکل بر خدا یک تنه در مقابل مستکبران می‌ایستاد و با فراخواندن آنان به مبارزه، ضمن نشان دادن اعتماد به نفس خود، دشمنان را تحقیر می‌کرد.

ب- حمایت از مستضعفان مؤمن

قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ «۱»

(۱). شعراء (۲۶)، آیات ۱۱۱-۱۱۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۰

گفتند: «آیا به تو ایمان آوریم و حال آن که پابرهنگان بی نام و نشان از تو پیروی کرده‌اند.» [نوح فرمود:

«من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند! حسابشان جز با خدا نیست، اگر می‌فهمید و من طردکننده مؤمنان نیستم.»

مفردات

قالوا: گفتند یعملون: انجام می‌دهند

اتؤمن: آیا ایمان آوریم ان: نیست

واتبعك: پیروی می‌کنند از تو لو تشعرون: اگر می‌فهمیدید

الارذلون: افراد پست بطارد: ترک کننده

و ما علمي: علم ندارم

حمایت از فقیران و محرومان در واقع ایجاد یک جبهه قوی و سازماندهی نیروهای متفرق در برابر مستکبران است. مطالعه تاریخ پیامبران و پیروان واقعی مکتب توحید نشان می‌دهد که پایگاه طبقاتی بیشتر آنان، فقیران و محرومان بوده‌اند و هیچ یک از پیامبران و از جمله حضرت نوح با ثروتمندان و زورمداران همفکر و در برابر محرومان و مستضعفان نبوده‌اند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۱

حضرت علی (ع) درباره سیره حضرت سلیمان (ع) که دارای ملک و سلطنت بوده است، می‌فرماید:

حضرت سلیمان، بامدادان با ثروتمندان و اشراف احوالپرسی می‌کرد تا این که نزد تنگدستان می‌آمد و با آنان می‌نشست و اظهار

می‌داشت که مسکینی هستم با مسکینان. «۱»

پیامبر اکرم (ص) نیز تا پایان عمر شریفش با فقیران و محرومان به سر برد و پیشنهاد مترفان را مبنی بر کناره‌گیری از فقیران، نپذیرفت.

پیامها

۱- امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی، به بهانه وجود گروهی به ظاهر محروم، بی‌اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی- اقتصادی در کنار او بود.

۲- پیام حضرت نوح (ع) جاذبه بیشتری برای طبقات محروم جامعه داشت.

۳- گذشته نادرست افراد، مانع از گرایش آنان به صلاح و پذیرش ایمان نیست.

۴- محاسبه اعمال گذشته و نهانی گروندگان به دین، بر عهده خدا است، نه پیامبران.

(۱). بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۸۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۲

۵- میزان در سنجش شخصیت افراد، حال فعلی آنان است.

۶- فهم صحیح تعالیم پیامبران، در گرو به کار بستن عقل و شعور است.

ج- وحدت و انسجام

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ «۱»

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا دارید، امید است که مورد رحمت قرار گیرید.

مفردات

المؤمنون: گروندگان لعلکم: شاید شما

اخوة: برادران تُرحمون: مورد رحمت قرار گیرید

فاصلحو: پس صلح دهید

بیان شد که یکی از راههای سلطه مستکبران بر مردم و به استضعاف کشیدن آنان، ایجاد تفرقه و تشّت میان آنان است.

برای مبارزه با مستکبران، باید در جهت مخالف این راه گام

(۱). حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۳

برداشت و با وحدت و انسجام ضربه‌های مهمی بر آنان وارد کرد.

پیامبر اکرم (ص) در قیام خود علیه استکبار و حاکمیت ظلم و جهل، به وحدت افراد جبهه حق اهمیتی بسیار می‌داد. در دوران مکه، مسلمانان احساس یکرنگی و برادری می‌کردند و مشکلی در این باره در میان نبود ولی با هجرت به مدینه، یاران پیامبر (ص) را دو گروه تشکیل می‌دادند؛ انصار و مهاجران. افزون بر تفاوت شرایط اقتصادی و مادی، این دو گروه در دو محیط فرهنگی رشد کرده بودند و نااهمخوانی‌هایی با هم داشتند. پیامبر اکرم (ص) برای استحکام بیشتر این جبهه چاره‌اندیشی کرد و طرح «مؤاخاة» و برادری را مطرح کرد.

اسلام، وحدت را از جمع مسلمانان نیز فراتر برده و از اهل کتاب خواسته تا به همراه مسلمانان حول اصل مشترک توحید و نفی

شرک گرد آیند. «۱»

پیامها

- ۱- مؤمنان، به راستی برادر یکدیگرند و اخوت و برادری، بارزترین صفت در زندگی اجتماعی مؤمنان است.
- ۲- ایمان، برقرارکننده دوستی و پیوند عمیق میان انسانها است.

(۱). ر. ک. سوره آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۴

- ۳- ستیز میان مؤمنان، ناسازگار با روح ایمانی و برادری است و هرچه سریع‌تر باید زدوده شود.
- ۴- از بهترین روشهای مبارزه با استکبار جهانی و مستکبران منطقه‌ای، داشتن وحدت و انسجام مسلمانان با یکدیگر است.
- ۲- در ابعاد فرهنگی - اجتماعی

الف- ارائه فرهنگ توحیدی و حیاتبخش

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ «۱»

و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند] خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید.

مفردات

لقد: به تحقیق، حتماً ابدوا: عبادت کنید

بعثنا: برانگیختیم واجتنبوا: پرهیزید

ان: اینکه

بی گمان، مستکبران از جهل و ناآگاهی محرومان بسیار سود می‌جویند و در بسیاری از موارد، همین ناآگاهی‌ها سبب می‌شود

(۱). نحل (۱۶)، آیه ۳۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۵

مردم، تن به استضعاف دهند و استکبار را بپذیرند و در مسیر خواسته‌های مستکبران گام بردارند. دعوت پیامبران، دعوت به آگاهی و بیداری است و آنان پیش از آغاز جهاد، دعوت به توحید را با حکمت، موعظه حسنه و مجادله کلامی آغاز می‌کنند سپس با آن عده از مشرکان که دعوت حق را نپذیرفتند و به توطئه‌های خود ادامه دادند، قتال می‌کنند. این بدان سبب است که انبیاء پیش از توجه به نیروی سلاح و قدرت آهن، به نیروی آگاهی و کاربرد شگرف استدلال و موعظه توجه دارند و آن را مقدم می‌دارند. اصول دعوت فرهنگی پیامبران بر چند محور قرار دارد:

۱- آگاهی به مبدأ و معاد

۲- آگاهی به کرامت و مقام انسانی

۳- توجه دادن به مسئولیتهای انسانی و ایمانی.

پیامبران ابتدا با روشنگریهای خود و با استدلالهای منطقی مخاطبان را به راه هدایت دعوت می‌کنند و سپس از آنها می‌خواهند که در برابر طاغوتها و مستکبران بایستند و از چیزی نهراسند.

پیامها

- ۱- پیامبران همواره به دنبال ارائه فرهنگ صحیح و حیاتبخش به جوامع بوده‌اند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۶

۲- اولویت دعوت مردم به توحید و زدودن شرک، مرحله تبلیغ و موعظه است. نشر فرهنگ توحیدی در جوامع، بالاترین کارایی را در نفی استکبار و مستکبران دارد.

ب- شناسایی و ابطال فرهنگ استکباری

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ «۱»

و به راستی، موسی را با آیات خود و حجتی آشکار، به سوی فرعون و سران [قوم وی فرستادیم، ولی [سران از فرمان فرعون پیروی کردند، و فرمان فرعون صواب نبود.

مفردات

ارسلنا: فرستادیم ملائنه: سران قومش

بایاتنا: به همراه آیات ما فاتبعوا: پیروی کردند

سلطان: دلیل رشید: صواب و درست

مبین: آشکار

(۱). هود (۱۱)، آیه ۹۶-۹۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۷

از مهم‌ترین راههای مبارزه با استکبار و جلوگیری از گسترش فرهنگ فرومایه‌اش، شناسایی و ابطال آن فرهنگ است. به همین جهت، در آیه یاد شده نیز خاطر نشان می‌سازد که موسی (ع) با آیات روشن به سراغ فرعون رفت و نشان داد که «امر» فرعون، یعنی کلام و عملش، که از فرهنگ استکباری‌اش نشأت می‌گرفت، راه به صواب نمی‌برد. حضرت ابراهیم (ع) نیز با بیان دلایل واضح، پوشالی بودن فرهنگ نمرودیان را اثبات کرد و راه گمراه کردن مستضعفان را بر آنان بست.

یکی از مصادیق فرهنگ استکباری مستکبران که همواره می‌خواهند بدان وسیله مردم را تحت استعمار خود نگهدارند، ترویج از فرهنگ جبرگرایی است. مستکبران با این تلقین که فرمانبرداری شما و تسلط ما بر شما خواست خداست و نیز نمی‌توان با مشیت الهی مخالفت کرد، جلو هرگونه تفکر درباره قیام و انقلاب را از مستضعفان می‌گیرند. اما در برابر، پیامبران و مصلحان حقیقی به روشنگری پرداخته و به مردم تفهیم می‌کنند که خواست خداوند، پیروزی حق بر باطل و شکست فرهنگ استکباری است و بدین طریق مردم را به تلاش در راه برپایی حکومت‌های الهی تشویق می‌نمایند. آنان، آزاد بودن و داشتن مسئولیت را به انسانها گوشزد می‌کنند و مردم را از تسلیم شدن

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۸

در برابر طاغوتها برحذر می‌دارند و این از نخستین گامها در راه مبارزه با مستکبران است.

پیامبران و مصلحان همچنین به مقابله با مفسد فرهنگ استکباری پرداخته و با فساد اخلاقی و بی‌بند و باری قشر مرفه و مستکبر- که به مردم فقیر نیز سرایت می‌کند- مبارزه کرده‌اند.

پیامها

۱- موسی (ع) برخوردار از معجزاتی فراوان و با عظمت بر رسالت الهی خویش بود.

۲- حضرت موسی (ع) همچنین دارای حجت و دلیلی روشن و روشنگر بر رسالت الهی خویش بود.

۳- خداوند، موسی (ع) را در آغاز رسالتش از آیت و معجزه بهره‌مند ساخت نه پس از درخواست و پیشنهاد مردم.

۴- درباریان و قوم فرعون به فرمان وی، با رسالت موسی (ع) به مخالفت برخاستند.

۵- فرمانهای فرعون، هرگز هدایتگر مردم به راه صواب و صحیح نبود.

۶- رهبران ناصالح و گمراه، از عوامل ضلالت و گمراهی امتها می‌باشند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۸۹

۳- در بعد اقتصادی

وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ «۱»

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروههایی از آنان داده‌ایم، میفکن! این زیورها و شکوفه‌های زندگی دنیاست، تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.

مفردات

و لَا تَمْدَنَّ: مدوز، میفکن زَهْرَةُ: زیور و شکوفه

عَيْنَيْكَ: چشمانت را لِنَفْتِنَهُمْ: برای اینکه بیازمایم

مَتَّعْنَا: بهره دادیم خَيْرٌ: بهتر و برتر

ازْوَاجًا مِنْهُمْ: گروههایی از آنها ابقی پایدارتر

برای پرورش روحیه استکبار ستیزی در بُعد اقتصادی، دو راهکار مهم وجود دارد؛ یکی از آن دو، دمیدن روح قناعت و بی‌اعتنایی نسبت به ثروتمندان در میان مؤمنان است. آیه فوق به پیامبر (ص) خاطرنشان می‌سازد که چشم به اموال و داراییهای

(۱). طه (۲۰)، آیه ۱۳۱.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۰

دیگران نداشته باشد که همین قانع بودن و به ثروت دیگران طمع نداشتن، خود، یک ارزش است. رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

کسی که اهل دنیا را بزرگ دارد و به طمع دنیای او، او را دوست بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد. «۱»

حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید:

چه زیباست تواضع ثروتمندان در برابر فقیران برای پاداشی که نزد خدا دارند و زیباتر از آن بی‌اعتنایی فقیران به ثروتمندان است برای اعتماد و تکیه‌ای که بر خدا دارند. «۲»

کسانی که در این مکتب تربیت یافته‌اند، گاه عمری را در فقر و تنگدستی زندگی کرده‌اند ولی هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند که دستی به سوی مستکبران دراز کرده و از آنان درخواستی کنند.

و دوم، کوشش برای یافتن استقلال اقتصادی است. اگر ملتی قانع باشد و به آنچه خود دارد، اکتفا کند و در جهت پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی گام بردارد، هیچ‌گاه مستکبران نمی‌توانند آنان را به خضوع در پیشگاه خود وادارند.

(۱). ثواب الاعمال، ص ۳۳۱.

(۲). نهج البلاغه، حکمت ۴۰۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۱

پیامها

- ۱- خداوند، پیامبر (ص) را از توجه به سرمایه‌های چشمگیر کافران و اشتیاق بهره‌گیری از آن، برحذر داشت.
 - ۲- مسلمانان صدر اسلام، بر اثر مشاهده رفاه کافران، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند.
 - ۳- چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران، امری نکوهیده و ناروا است.
 - ۴- این آیه، لزوم پرهیز رهبران الهی از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان را گوشزد می‌کند.
 - ۵- نگاه، تحریک کننده تمایلات انسانها و مایه شیفتگی آنان به منظره‌های دلربا است.
 - ۶- نعمتهای الهی و امکانات دنیا، زمینه‌ای برای آزمایش انسانها است.
 - ۷- توجه به رزق پایدار و سرتاسر خیر پروردگار، زمینه‌ساز دوری گزینی از چشم دوختن به امکانات دنیایی دیگران است.
- استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۳

مبارزه پیامبران با مستکبران

پیامبران الهی پس از ابلاغ رسالت خویش، معمولاً با مقاومت‌هایی از ناحیه برخی از مردم و به ویژه مستکبران روبه‌رو شده‌اند. بررسی آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد که دعوت و مبارزه با مستکبران، شامل پنج مرحله بوده است.

مرحله اول، ابلاغ رسالت است، در این مرحله، هر پیامبر به تناسب مأموریت خود پس از دعوت به توحید، پیامهایی را برای مردم مطرح نموده است. در پی این مرحله، واکنش اولیه قوم آغاز می‌شود، در این مرحله، جهل مخالفان دعوت پیامبران را رد می‌کند و یا نهایتاً درخواست بینه و دلیل می‌نمایند. در مرحله سوم، پیامبران به آوردن دلیل و برهان می‌پردازند و معجزات خویش را ارائه می‌کنند.

مرحله چهارم، واکنش نهایی قوم است که مردم دو دسته می‌شوند: اغلب انسانهای پاک نهاد و منصف که دل به دنیا نبسته‌اند، استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۴

ایمان می‌آورند و متأسفانه عده‌ای مغرور و متکبر و مستکبر، به مخالفت می‌پردازند. در بیشتر اقوام گذشته، مانند قوم نوح، هود، صالح، شعیب و قوم موسی چنین بوده است. مرحله آخر نیز، مرحله فرود آمدن عذاب و بیان عاقبت مستکبران است.

ما در این بخش، ضمن تشریح این پنج مرحله، به نمونه‌هایی از برخورد مستکبران با پیامبران و چگونگی مبارزه پیامبران با آنان می‌پردازیم.

۱- مرحله ابلاغ رسالت

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا مَا آتَاكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا «۱»

چون برادرشان نوح به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم، از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید، و بر این [رسالت اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست، پس از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید.

(۱). شعراء (۲۶)، آیات ۱۰۶-۱۱۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۵

مفردات

اِذْ: زمانی که اطیعون: مرا پیروی کنید

اخوهم: برادرشان ما استلکم: نمی‌خواهم از شما

رسول: فرستاده اجر: پاداش

الا تتقون: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟

پیامها

- ۱- سخن گفتن پیامبران با قوم خویش، در دعوت به تقوا و پرهیز از گناه، دلسوزانه بوده است.
- ۲- موضع رهبران دینی در میان مردم، باید موضعی برادرانه و همراه با دلسوزی باشد و نه برتری جویانه.
- ۳- تأکید حضرت نوح (ع) بر امانتداری خویش در تبلیغ پیام الهی، مهم‌ترین ویژگی رسولان الهی است.
- ۴- نوح (ع) [و سایر پیامبران کمترین چشمداشت مادی از مردم، در قبال رسالت خویش نداشتند.
- ۵- نداشتن چشمداشت مادی از مردم و اعلام آن به همگان، دارای تأثیر مثبت و سازنده در تبلیغ و رسالت الهی است.

و درباره همین مرحله از دعوت حضرت صالح (ع) می‌فرماید:

و به سوی [قوم ثمود، برادرشان صالح را] فرستادیم . گفت:

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۶

«ای قوم من! خدا را پرستید. برای شما هیچ معبودی جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما وا گذاشت.

پس، از او آمرزش بخواهید، آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است.» (۱)

حضرت شعیب نیز در ابلاغ رسالت خویش به قومش فرمود:

و به سوی [اهل مدین، برادرشان شعیب را] فرستادیم . گفت:

«ای قوم من، خدا را پرستید. برای شما معبودی جز او نیست و پیمان و ترازو را کم نکنید، به راستی شما را در نعمت می‌بینم و از

عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم.»

«و ای قوم من، پیمان و ترازو را به داد، تمام دهید، و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید.»

«اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگهبان نیستم.» (۲)

بنابراین، در این مرحله هر پیامبر به بیان توحید و اصلاح انحرافات مربوط به قوم خود پرداخته و آنان را از کارهای ناشایست نهی

نموده است.

(۱). هود (۱۱)، آیه ۶۱.

(۲). همان، آیات ۸۴-۸۶.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۷

۲- مرحله واکنش اولیه قوم

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بُادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (۱)

پس، سران قومش که کافر بودند، گفتند: «ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم، و جز گروهی اراذل ساده لوح کسی را نمی‌بینیم

که تو را پیروی کرده باشد، و شما را بر ما امتیازی نیست، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم.»

مفردات

الملا: سران قوم ما نری: نمی‌بینیم

ما نریک: نمی‌بینیم تو را فضل: برتری

اتبعک: کسی که تو را پیروی کرده نظنکم: می‌پنداریم
اراذل: افراد فرومایه کاذبین: دروغگویان
بادی الرأی: ساده‌لوح

(۱). همان، آیه ۲۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۸

پیامها

- ۱- اشراف و سران قوم نوح، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند.
 - ۲- بشر بودن نوح (ع) [و سایر پیامبران بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبران بود.
 - ۳- مؤمنان قوم نوح و پیروان او، از توده‌های مردم و از طبقات غیر مرفه جامعه بودند.
 - ۴- اشرافیت و رفاه، زمینه‌های ابتلا به خودبرتربینی و خوی استکباری است.
 - ۵- اشراف قوم نوح، ایمان توده‌های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش‌باوری و عدم تفکر می‌شمردند.
 - ۶- اشراف قوم نوح، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغگویی متهم می‌کردند.
- مخالفان دعوت حضرت شعیب (ع) نیز به استهزای او پرداخته و گفتند:
ای شعیب، آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟ «۱»

(۱). هود (۱۱)، آیه ۸۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۹۹

و نیز مخالفان حضرت هود (ع)، وی را به سفاهت متهم کردند:

سران قومش که کافر بودند گفتند: «در حقیقت، ما تو را در [نوعی سفاهت می‌بینیم و جداً تو را از دروغگویان می‌پنداریم.» «۱»
و فرعون هم در برابر حضرت موسی (ع) قرار گرفت و خواستار ارائه دلیل از سوی موسی شد:
[فرعون گفت: «اگر معجزه‌ای آورده‌ای، [و] اگر راست می‌گویی آن را ارائه بده.» «۲»

۳- مرحله دلیل آوردن پیامبران

پس از مرحله گذشته، پیامبران برای اثبات حقانیت دعوت خویش به ارائه دلایل و بینات و در موارد لازم به ارائه معجزات پرداخته‌اند که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَمَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصِيحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ «۳»

(۱). اعراف (۷)، آیه ۶۶.

(۲). همان، آیه ۱۰۶.

(۳). اعراف (۷)، آیات ۶۱-۶۳.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۰

[نوح گفت: «ای قوم من، هیچ گونه گمراهی در من نیست، بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم.» پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم و چیزهایی از خدا می‌دانم که [شما] نمی‌دانید. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزکاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟»]

مفردات

یا قوم: ای قوم من انصح: نصیحت می‌کنم
لیس بی: نیست در من او عجبتم: آیا تعجب کردید
ضلالة: گمراهی لیندرکم: برای این که شما را بترساند
ابلغکم: می‌رسانم ترحمون: مورد رحمت قرار گیرید
رسالات ربی: پیامهای پروردگارم را
پیامها

- ۱- نوح با پاسخی رأفت‌آمیز به قوم خود، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست.
- ۲- مبلغان دین باید دلسوز و آراسته به شکیبایی در ابلاغ احکام و معارف الهی باشند.
- ۳- مبلغان دین باید در برابر اتهامهای ناروا از خویشان دفاع کنند.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۱

- ۴- ترساندن مردم از عذابهای الهی به واسطه پیامبران، از اهداف نزول دین و معارف الهی است.
 - ۵- دستیابی قوم نوح (ع) به رحمتهای ویژه خداوند، از اهداف بعثت آن حضرت بود.
- حضرت هود (ع) نیز به پاسخگویی قوم خویش پرداخت و گفت:

ای قوم من، در من سفاهتی نیست، ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد؟ ... «۱»

حضرت شعیب نیز به نصیحت قومش پرداخت و برایشان استدلال آورد که:

«ای قوم من، بیندیشید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود، روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه تا آنجا که

(۱). اعراف (۷)، آیات ۶۷-۶۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۲

بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به [یاری خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم].
«و ای قوم من، زنه‌ار تا مخالفت شما با من، شما را بدانجا بکشاند که [بلایی مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید، به شما [نیز] برسد، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.» «و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان است.» «۱»

حضرت موسی (ع) هم به ارائه معجزه پرداخت و عصای خویش را انداخت تا به صورت اژدهایی بزرگ درآمد و نیز دست خود را

از لباسش بدر آورد تا روشنی بخش مجلس شود.

۴- مرحله واکنش نهایی قوم

این مرحله پس از ارائه ادله و معجزات از سوی پیامبران است و مستکبران به لجاجت افتاده و با خیره‌سری تمام از قبول دعوت پیامبران خودداری ورزیده‌اند. آنان در این مرحله، خواستار نزول عذاب شده‌اند و گاه به تمسخر پیامبران پرداخته و نیز آنان را به نابودی تهدید کرده‌اند. و اینک نمونه‌هایی از برخوردهای مستکبران، پس از ارائه دلیل از سوی پیامبران:

(۱). هود (۱۱)، آیات ۸۸-۹۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۳

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ «۱» کسانی که استکبار می‌ورزیدند، گفتند: «ما به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید کافریم.» پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرپیچیدند و گفتند: «ای صالح، اگر از پیامبرانی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور.»

مفردات

استکبروا: استکبار ورزیدند بما تعدنا: آنچه را وعده داده‌ای

آمنتُم به: ایمان آوردید به آن‌ان: اگر

فعقروا: پس پی کردند کنت: می‌باشی

عتوا: سرپیچی کردند مرسلین: پیامبران

ائتنا: بیاور برای ما

پیامها

۱- مستکبران قوم ثمود، در پاسخ مستضعفان، مخالفت صریح خود را با رسالت صالح و کفرشان را به پیامهای او ابراز داشتند.

(۱). اعراف (۷)، آیات ۷۶-۷۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۴

۲- تکبر و خودبزرگ بینی، موجب کفر به پیامبران و پیامهای آنان است.

۳- کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند.

۴- کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح، از وی خواستند تا تهدیدش را به اجرا گذارد.

مستکبران قوم نوح نیز، وی را به سنگسار شدن تهدید کردند و همچنین به استهزای او به هنگام ساختن کشتی پرداختند. «۱» مستکبران قوم هود هم از هود خواستند تا عذابی را که برای ایشان وعده داده است، بیاورد. «۲» اما واکنش فرعون و مستکبران همراهش نسبت به ارائه معجزه از سوی موسی (ع) دو گونه بود.

آنها ابتدا ساحرانی را که به موسی (ع) ایمان آورده بودند به قطع دست و پا و کشتن تهدید نمودند، سپس در مورد موسی و قومش چنین گفتند:

و سران قوم فرعون گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی تو و خدایانت را رها کند؟] فرعون گفت: «به زودی پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده نگه می‌داریم و ما بر آنان مسلطیم.» «۳»

(۱). ر. ک. شعرا (۲۶)، آیه ۱۱۷ و هود (۱۱)، آیه ۳۹.

(۲). ر. ک. اعراف (۷)، آیه ۷۰.

(۳). همان، آیه ۱۲۷.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۵

خلاصه آنکه در هیچ موردی مستکبران در برابر حق، خضوع نشان ندادند و در مقابل، به استهزا و تهدید پیامبران و مؤمنان همراهشان روی آوردند. در اینجا بود که نوبت به مرحله پنجم می‌رسید.

۵- مرحله فرود آمدن عذاب و هلاکت مستکبران

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ وَتِلْكَ آيَاتُ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ «۱»

و چون فرمان ما در رسید، هود و کسانی را که با او گرویده بودند، به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم. و این، [قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانشان را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه‌جوی رفتند. و [سرانجام در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدرقه [راه آنان گردید. آگاه باشید که

(۱). هود (۱۱)، آیات ۵۸-۶۰.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۶

عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند. دور باد «عاد»- قوم هود- (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)!

مفردات

لَمَّا: زمانی که عصوا: نافرمانی کردند

امرنا: دستور ما جبار: زورگو

نَجَّيْنَا: نجات بخشیدیم عنید: ستیزه‌جو، لجباز

تِلْكَ: آن بُعْدًا: دور باد

حَجَّدُوا: انکار کردند

پیامها

۱- خداوند، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد.

۲- خداوند، هود و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد.

۳- کفرپیشگان قوم عاد، علاوه بر عذاب دنیوی، به عذاب اخروی نیز گرفتار خواهند شد.

۴- اکثریت قاطع قوم عاد، آیات الهی و نشانه‌های ربوبیت خداوند را انکار کردند.

۵- نپذیرفتن ربوبیت خداوند و مخالفت با پیامبران و برنامه‌های آنان، زمینه‌ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران است.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۷

۶- انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست.

سرانجام، زمان اجرای سنت الهی مبنی بر «فرود آمدن عذاب پس از اتمام حجت» فرا رسید و اقوام سرکش و مستکبران لجوج به عذاب الهی گرفتار آمدند و هم در این جهان به سزای کار خود رسیدند و هم مستحق عذاب الهی در سرای آخرت گردیدند. نمونه دیگر این اقوام، قوم نوح بودند که خداوند درباره آنان می‌فرماید:

پس او را تکذیب کردند، و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم، زیرا آنان گروهی کور [دل بودند. «۱»]

و درباره مستکبران قوم صالح (ع) می‌فرماید:

آنگاه زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند، پس [صالح از ایشان روی برتافت و گفت: «ای قوم من، به راستی، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما خیر خواهان را دوست نمی‌دارید.» «۲»]

(۱). اعراف (۷)، آیه ۶۴.

(۲). همان، آیات ۷۸-۷۹.

استکبار ستیزی در قرآن، ص: ۱۰۸

خداوند، فرعون و اطرافیان او را ابتدا به مجازاتهای دنیوی گرفت تا شاید متنبه شوند و از راه انحرافی خود دست بردارند، اما پس از آنکه مشخص گردید این گروه به هیچ عنوان به حقیقت نمی‌گروند، آنان را دچار عذابی سخت گرداند.

و چون ما را به خشم درآوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. و آنان را پیشینه‌ای [بد] و عبرتی برای آیندگان گردانیدیم. «۱»

(۱). زخرف (۴۳)، آیات ۵۵-۵۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

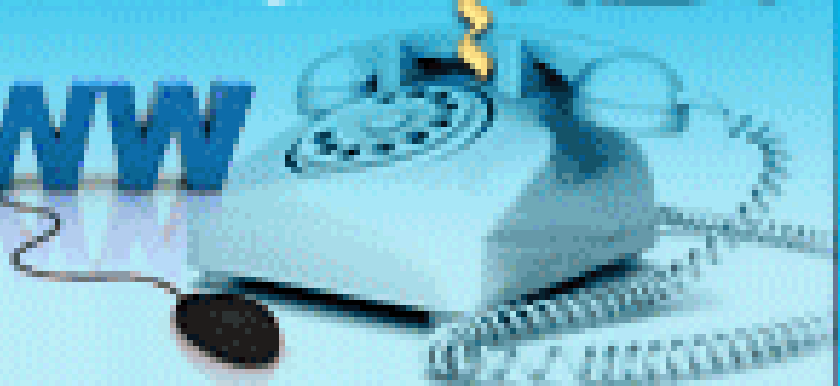
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹